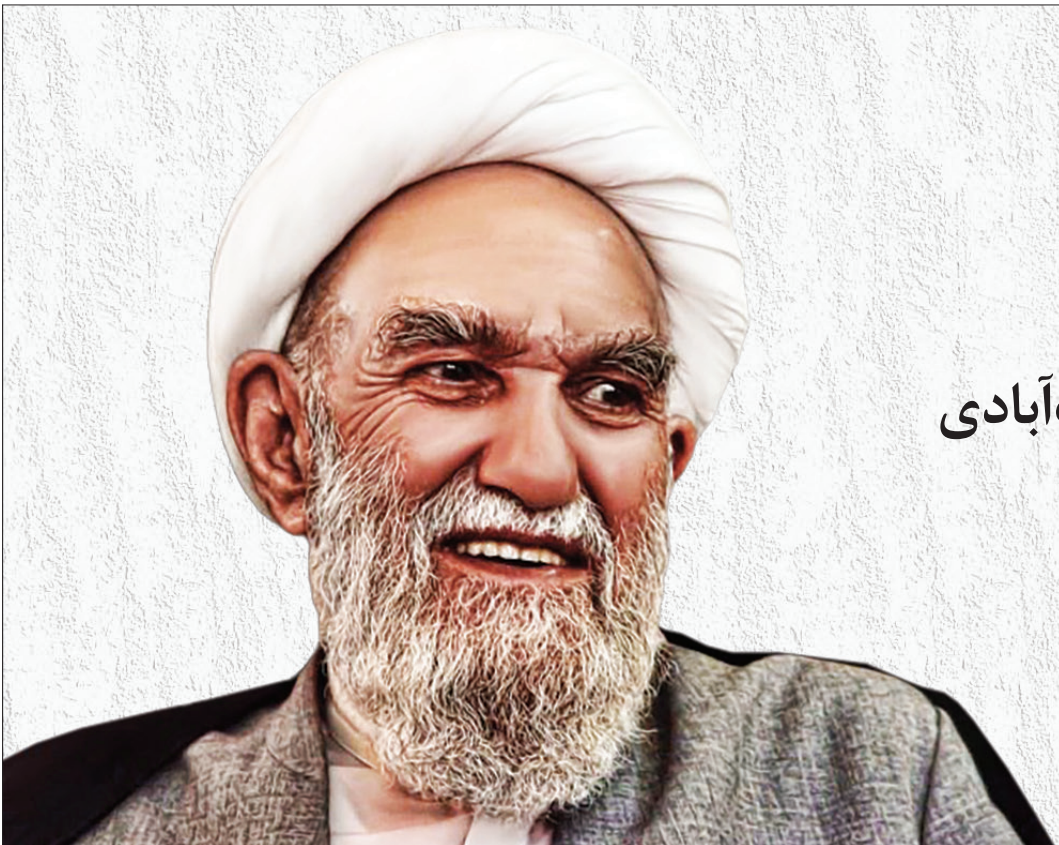


نگاهی به ابعاد حیات و مکتب عرفانی مرحوم آیت‌الله ناصری‌دولت‌آبادی

ناصر دین، مردم و انقلاب



حسین ابزیدی

دانش آموخته حوزه علمیه قم

آیت‌الله شیخ‌محمد ناصری‌دولت‌آبادی در ۹۲سالگی از میان ما رفت. آه از غمی که تازه شود با غم دگر. در چندسال اخیر رحلت عارفان و عالمان ربانی بزرگی چون مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی و مرحوم علامه‌حسن‌زاده‌آملی خلأ جبران‌ناپذیری را پدید آورد و با خبر رحلت آیت‌الله ناصری این غم‌ها تازه شد. آیت‌الله ناصری با بیان شیرین و قلب رثوف خود در سال‌های اخیر به یکی از برجسته‌ترین اساتید اخلاق کشور تبدیل شده بودند و مخاطبان و مریدان ایشان محدود و منحصر به شهر اصفهان نمانده و در همه کشور جامعه مذهبی به وی علاقه‌مند بودند.

خاطره شیرین پخش سخنرانی‌های ایشان در سحرهای ماه مبارک رمضان هنوز در یاد بسیاری از مردم پابرجاست. بیان شیرین، سلوک مردمی، صداقت در گفتار، تواضع و مردم‌داری و عامل بودن به آنچه می‌گوید، موجب ایجاد یک پایگاه اجتماعی ویژه برای وی و متأثر شدن بخش قابل‌توجهی از جامعه از بیانات ایشان بود. امروز ما هستیم و دنیایی پر از ظلمت که با بسط مدرنیته و ترویج جلوه‌های غرب‌گرایی راه معنویت را سد می‌کنند و خبر رحلت عالمان و عارفان بزرگی که در این ظلمات، روزنه‌ای به عالم نور و معنا و معنویت بودند. حسرتی بزرگ و غمی جانکاه بر قلب خسته ما نشسته است و از خدا می‌خواهیم با رحمت واسعه خویش این خسارت‌ها را جبران بفرماید.

منهج عرفانی آیت‌الله ناصری دارای خصوصیات و ویژگی‌های متمایزی است که نیاز به بازخوانی دارد. بازخوانی این میراث عرفانی زمینه‌ساز طراحی الگوهای کارآمد سلوکی خواهد بود. از این‌رو در یادداشت پیش‌رو به‌مرور برخی از ویژگی‌های مکتب و منهج عرفانی این پیر سفرکرده خواهیم پرداخت.

۱) تربیت‌یافته مکتب عرفانی نجف

مکتب عرفانی نجف‌اشرف، مجموعه‌ای از عناصر تربیتی است که براساس آیات و روایات، سامان‌یافته است. این مکتب حاصل آرا و اندیشه‌های عرفانی عالمانی است که از مرحوم ملاقلی جولا شروع می‌شود و توسط فقیهان و عارفان این سلسله همچون سیدعلی شوشتری، ملاحسین قلی همدانی، سیداحمد کربلایی، سیدعلی قاضی طباطبایی و مانند آنان ادامه یافته و به علامه طباطبایی و شاگردانش منتهی شده است. این مکتب که مبتنی بر آموزه‌های اصیل شیعی است، دارای اصول و مبانی خاص خود است که محوری‌ترین آنها توحید و ولایت به‌شمار می‌آید.

رسیدن به مقام فنا، غایت حرکت در این مکتب است و معرفت نفس راه رسیدن به این مهم شناخته می‌شود. مکتب عرفانی نجف به‌شدت شریعت‌گرا و شریعت‌مدار است، به خلاف عرفانی‌های کاذب یا فرقه‌های نوپدید مدعی عرفان یا برخی فرق منحرف صوفیه که شریعت در آنها یا کم‌اهمیت است یا اساسا نادیده گرفته می‌شود. مکتب عرفانی نجف ریشه در فقاहत دارد. ملاحسین قلی همدانی از برترین فقیهان عصر خویش بوده است و از شاگردان برجسته شیخ‌انصاری به‌شمار می‌آید. به‌نحوی که پس از رحلت شیخ‌انصاری درس وی را از جایی که نیمه‌تمام مانده بود، ادامه می‌دهد. نقل می‌کنند در شاگردان سلوکی ملاحسین قلی همدانی ۳۰۰ مجتهد حضور داشتند. سیداحمد کربلایی در فقاहत دارای جایگاه والایی است. اولین دستورات سلوکی این مکتب با انجام واجبات و ترک محرمات آغاز می‌شود. ملاحسین قلی همدانی در این زمینه چنین می‌نویسد:

مخفی نماند بر برادران دینی که جز التزام به شرع شریف در تمام حرکات و سکنات و تکلمات و لحظات و غیرها راهی به قرب حضرت ملک‌الملوک جلّ جلاله نیست و به خرافات ذوقیه اگرچه ذوق در غیر این مقام خوب است، «کما دأب الجهال و الصوفیه خذلیم الله جل جلاله»، راه رفتن «لا یوجب الا بُعداً... بناثاً علی هذا» باید مقدم بدارد شرع شریف را و اهتمام نماید هرچه در شرع شریف اهتمام به آن شده و آنچه این ضعیف، از عقل و نقل استفاده نمودم این است که اهمّ اشیاء از برای طالب قرب، جدّ و سعی تمام در ترک معصیت است. تا این خدمت را انجام ندهی نه ذکر، نه فکرت، به‌حال قلیت فایده‌ای نخواهد بخشید.

ملاحسین قلی همدانی که سرسلسله مکتب عرفان نجف است، چنین با جدیت بر تنبیت محض از شریعت تأکید و اصرار دارد. وی حتی صوفیه را به‌سبب بی‌اعتنایی به شریعت، مورد طعن و لعن قرار می‌دهد. ایشان در ادامه با یک جمع‌بندی چنین می‌نویسد: «فأفهم مما ذکرنا ان طلبک المحبة الالهية مع کونک مرتکبا للمعصية أمر فاسد جدا و کیف یخفی علیک کون المعصية سببا للنفرة و کون النفرة مانعة الجمع مع المحبة و إذا تحقق عندک أنّ ترک المعصية اول الدین و آخره، ظاهرة و باطنه فبادر إلی المجاهدة...»

مرحوم قاضی با درویش و متصوفه‌ای که به‌ظاهر شرع اهمیت نمی‌دهند،

سخت در معارضه و نبرد بود و می‌فرمود: «سلوک راه خدا با عدم اعتنای به شریعت، که نفس راه و طریق است، جمع میان متضادین و یا متناقضین است.» خودش به‌قدری در اتیان مستحبات و ترک مکروهات، سعی و کوشا بود که در نجف‌اشرف در این امر ضرب‌المثل بود.

آیت‌الله ناصری یکی از خروجی‌ها و تربیت‌شدگان این مکتب اصیل شیعی است که در ادامه به برخی از مختصات سلوکی خاص وی نیز اشاره می‌کنیم.

۲) سلوک اصیل شیعی روایت‌محور

یکی از دغدغه‌های مهم در زمینه تربیت عرفانی، حرکت در چهارچوب قواعد و اصول اصیل شیعی است. گرایش برخی افراد به اعمال و دستورالعمل‌های برآمده از ذوق و سلیقه موجب انتقاد به کلیت جریان اصیل عرفان شیعی درطول تاریخ بوده است. آیت‌الله ناصری که برآمده از دل مکتب عرفانی نجف است، منهج و ممشای سلوکی‌ای را پی‌ریزی و ترویج می‌کردند که کاملا منطبق با اصول شیعی و روایت‌محوری و دوری از روایات بود. اتقان در حرکت سلوکی، روایت‌محوری و دوری از سلیقه‌گرایی موجب شده بود خروجی این نوع عرفان و سلوک پدید آمدن انسان‌هایی مهذب و بر طریق صراط مستقیم بوده و جلوه‌ای از کارآمدی عرفان علوی را به نمایش بگذارد.

۳) عرفان ولایی و امام‌محور

نیل به مقام فنا که غایت سلوک است، بدون اتصال به ولایت امکان‌پذیر نیست. در مکتب عرفانی نجف تمسک به ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام یکی از اصول اساسی به‌شمار می‌آید.

«ولّی» از اسماء فعل خداوند است، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: (وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ)؛ و اوست کسی که باران را پس از آنکه [مردم] نومید شدند فرود می‌آورد و رحمت خویش را می‌گسترد و هموست سرپرست ستوده.

ولایت، به‌معنای سرپرستی منحصر در خداوند متعال است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: (فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ)؛ «ولی» فقط خداوند است. زیرا براساس توحید افعالی و این که موثر حقیقی در هر چیز خداوند است، معقول نیست که موجودی غیر خداوند توان آن را داشته باشد که سرپرست شیء یا شخصی باشد. از این‌رو ولایت حقیقی در نظام تکوین و تشریع مخصوص اوست، اما چنانکه بیان شد «ولی» از اسماء فعل خداوند است که نیاز به مظهر دارد و برخی انسان‌ها به مقامی می‌رسند که مظهر ولایت الهی می‌شوند، به همین دلیل قرآن کریم از ولایت غیرخود نیز سخن به میان آورده است:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و درحال رکوع زکات می‌دهند.

مظاهر ولایت الهی، مراتبی دارد که مظهر اکمل آن حضرات معصومین(ع) هستند.

یکی از ویژگی‌های بسیار برجسته در سلوک آیت‌الله ناصری التزام و اعتقاد ویژه به ولایت معصومین علیهم‌السلام و دوام توسل به ذیل عنایات ایشان بود. وی نه‌تنها در درس اخلاق خود دائماً نسبت به مقام ولایت توجه و تذکر می‌دادند که توسلات شخصی بسیاری نیز داشتند و نسبت به مقوله زیارت عتباب مقدسه عنایت فوق‌العاده‌ای داشتند. آیت‌الله ناصری در ایام فاطمیه در منزل شخصی خود روضه‌های عمومی برگزار می‌کردند و با سلوک و اقدام عملی خود، اهمیت توسل را به مریدان و دوستداران خود گوشزد می‌فرمودند. در جمع‌بندی این قسمت باید گفت: «ولایت‌محوری و امام‌مداری آیت‌الله ناصری در مسیر سلوک چند جنبه برجسته داشت که یک مورد از آن را مستقلا مطرح خواهیم کرد.

جلوه اول برجسته کردن یاد معصومین علیهم‌السلام، تمسک به روایات و ترویج معارف روایی در جامعه و ایجاد مرجعیت اجتماعی برای امام در متن ذهنیت اجتماعی بود.

جلوه دوم توسل به ائمه معصومین علیهم‌السلام، ذکر مصیبت و برگزاری مراسم روضه و سوگواری در ایام عزای آل‌الله بود.

جلوه سوم تقید و توجه به مقوله «زیارت» عتبات‌عالیات و مشاهد مشرفه بود. حضور در حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام هم توسل بود و هم درس عملی به مشتاقان و مریدان.»

۴) احیای یاد امام عصر(عج)

اما یکی از مهم‌ترین وجوه برجسته عرفان ولایی آیت‌الله ناصری توجه ویژه به امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف بود. آیت‌الله ناصری یکی از احیاکنندگان یاد امام زمان(عج) در جامعه به‌شمار می‌آمدند. تمرکز ایشان بر مقوله یاد امام عصر، یاری امام عصر، ارتباط روحی با امام عصر و زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر موجب تمایز وی با دیگر افراد شده بود. دغدغه گسترش یاد امام زمان(عج) در جامعه و ایجاد رابطه مردم و امام غایب در عصر حاضر موجب شده بود نام امام زمان به یکی از ترجیع‌بندهای مهم بیانات ایشان تبدیل شود. این تمرکز موجب شده بود در بخش قابل‌توجهی از جوانان و عموم مردم ارتباط روحی خاصی با امام زمان پدید آمده و توسلات با محوریت ایشان گسترش یابد؛ چراکه یکی از راهکارهای مهم تسجیل فرج، یاد امام غایب و ایجاد بسترهای اجتماعی برای ظهور ایشان است.

۵) تقید به تربیت نفوس مستعده جوانان

برخی از عارفان بنابر ملاحظاتای چنان دامن جمع می‌کنند و کنج عزلت می‌گزینند که نه شاگرد می‌پذیرند و نه گام در مسیر تربیت می‌گذارند. آیت‌الله ناصری یکی از وظایف خود را انتقال معارف عرفانی مکتب نجف به جامعه قرار داده بود، از این‌رو با گشاده‌رویی و البته مطابق با قواعد و اصول اقدام به تربیت نفوس مستعده می‌کردند.

نماز جماعت ایشان محل اجتماع عاشقان و دلدادگان و جوانان بسیاری بود که دل در گروی حقیقت داشتند و تشنه معارف ناب شیعی، به گرد شمع وجود ایشان می‌چرخیدند. آیت‌الله ناصری در عین کهولت سن هیچ‌گاه از برقراری ارتباط با این سنخ از افراد خودداری نفرمودند. اگر فردی را مستعد

سلوک تشخیص می‌دادند با گشاده‌رویی برای او وقت می‌گذاشتند و با ارائه دستورالعمل‌هایی که همه دقیق و منطبق با اصول و مبانی شیعی و روایی بود اقدام به تربیت فرد و رساندن وی به قله کمال داشتند.

تربیت عرفانی دارای ظرافت‌ها و دقت‌هایی است که عدم خبرگی و پختگی در این مسیر می‌تواند هم به استاد، هم سالک و هم محیط پیرامونی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند. خبرگی و پختگی آیت‌الله ناصری در تربیت عرفانی به‌حدی بود که در اولین مواجهه با فرد، متوجه وضعیت روحی وی و میزان آمادگی شخص برای گام نهادن در مسیر سلوک می‌شدند. اگر در مواجهه با فردی متوجه عدم آمادگی می‌شدند، بدون آنکه وی را طرد کنند یا موجب آزرده‌خاطر شدنش شوند، مدتی او را معطل می‌کردند تا با دستورات عمومی آمادگی‌های لازم را کسب کند. تسجیل در پذیرش شاگرد و ورود آنها به عرصه سلوک می‌تواند زمینه‌های رشد وی را سد کند اما آیت‌الله ناصری به‌خوبی به این امر آگاه بودند و براساس موازین دقیق تربیتی اقدام به قبول یا رد افراد می‌کردند.

۶) لطافت روحی، مهربانی و پدری برای افراد

یکی از ویژگی‌های شخصیتی و ممتاز آیت‌الله ناصری روحیه لطیف و رثوف و مهربان ایشان بود. آیت‌الله ناصری فردی به‌شدت مهربان بودند. اگر کسی حتی برای اولین‌بار با ایشان مواجه می‌شد این مهربانی را با همه وجود حس می‌کرد. ارتباط ایشان با جوانان ارتباط استاد و شاگردی نبود بلکه ارتباط عاطفی و پدرانه بود. پدری مهربان که با همه وجود محبت خود را به فرزندش ابراز می‌کرد و البته مهر و قهرش هر دو در جای خود بود. گاهی اقتضای پدری، عطفوت و نوازش است و گاه تلنگر و تشر برای جلوگیری از یک خطا و انحراف. آیت‌الله ناصری پدر مهربانی بود که به‌موقع انسان را از عاطفه سرشار می‌کرد و به‌موقع نیز با نگاه نافذی که داشت، ایرود در هم می‌کشید و همین کافی بود تا انسان متوجه شود اشتباهی از سر زده است که باید جبران کند. مهر و قهر او هر دو برآمده از قلبی لطیف و رثوف بود.

۷) عرفان اجتماعی و جامعه‌گرایی

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سلوک عرفانی آیت‌الله ناصری، عرفان اجتماعی ایشان بود. آیت‌الله ناصری از آن طیف عرفایی نبودند که کنج عزلت بگزینند و با محیط پیرامونی خود ارتباطی نداشته باشند. عرفان آیت‌الله ناصری عرفانی همه‌جانبه و چندضلعی بود. وی اهل مسجد و محراب و منبر بود.

ایجاد، حفظ و تقویت ارتباط با بدنه مردم و اهتمام به تربیت عمومی جامعه و محیط پیرامونی یکی از وجوه عرفان اجتماعی وی به‌شمار می‌آمد. او

farhikhteganonline

۰۰۰۰

www.fdn.ir

نسبت به محیط پیرامونی خود بی‌اعتنا نبود. با محوریت مسجد و منبر با بدنه جامعه ارتباط داشت. سخنرانی و استفاده از ظرفیت فوق‌العاده منبر در مناسبت‌های گوناگون مذهبی موجب شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از مخاطبان و شاگردان عمومی حول وجود ایشان شده بود. طیف قابل‌توجهی از مردم اصفهان تربیت‌یافتگان مجالس وی به‌شمار می‌آیند. اساسا در سنت اصیل روحانیت شیعی، ارتباط مستمر عالمان مهذب با متن جامعه موجب پیوستاری از تربیت و رشد اجتماعی ایجاد می‌کند. آیت‌الله ناصری به‌خوبی از این ظرفیت بهره می‌برد و نیازهای معرفتی، روحی و دینی جامعه خود را برطرف می‌کرد.

ازسوی دیگر در سنت تربیتی و سلوکی خود، شاگردان را دعوت به عزلت‌گزینی نمی‌کردند. افراد خاصی از جوانانی که در ارتباط مستمر با ایشان زیست می‌کردند، به‌سمت تحقیقات بنیادین پیرامون مقلواتی چون عرفان اجتماعی و تمدن‌ساز روی آوردند. نگاهی به مقدمه کتاب ارزشمند «عرفان سیاسی و تمدن‌سازی اسلامی» و تأکید مولف به متأثر بودن از آیت‌الله ناصری گواهی بر این مدعاست.

۸) از سلوک تا سیاست (عارف انقلابی)

چنانکه گذشت، آیت‌الله ناصری دارای رویکرد عرفان اجتماعی در مکتب عرفانی خود بودند. یکی از وجوه برجسته این نوع عرفان‌ورزی و سلوک عارفانه، حضور مستمر، همراه با بصیرت و زمان‌شناسی در متن تحولات کلان سیاسی کشور بود. آیت‌الله ناصری هرچند در جزئیات امور سیاسی و مسائل خرد ورود چندانی نداشتند و اقتضای پدری نیز همین است اما در مسائل کلان همواره با صراحت و بدون لکنت سخن می‌گفتند. آیت‌الله ناصری عارفی انقلابی به‌شمار می‌آمد که دفاع و حمایت مستمر و بصیرت‌بخش از انقلاب را یکی از وظایف خود تعریف کرده بود. ایشان در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی اقدام به موضع‌گیری کردند. یکی از برجسته‌ترین کنش‌های سیاسی وی حمایت‌های مکرر از مقام‌معظم‌رهبری بود. ایشان در جلسات گوناگون از شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای تجلیل کرده و جامعه را به حمایت و تقویت ایشان دعوت می‌کردند.

برای عالم و عارفی که به همه زخارف دنیایی پشت‌پا زده است و از جایگاه اجتماعی خوبی نیز برخوردار است، دلیلی وجود ندارد که برای طمع و طعمه قرار دادن چیززی، از رهبری مملکت دفاع کند. خاستگاه این حمایت، یک تحلیل دقیق تاریخی از موقعیت تشیع، ایران و جهان و نیز یک برداشت و شهود عارفانه از عالم هستی و نظام حق و باطل در جهان بوده است.

آیت‌الله ناصری در یکی از بیانات خود خطاب به طلاب و مبلغان، علاوه‌بر دعوت ایشان به تبلیغ معارف اسلامی، تبلیغ و ایجاد حمایت اجتماعی نسبت به آیت‌الله خامنه‌ای را یکی از وظایف مبلغان بیان فرمودند. در یکی از این سخنان وی چنین می‌فرماید: «مبلغان [در ایام تبلیغ] همان‌طور که تبلیغ از اسلام و قرآن و ولایت و نظام می‌کنند، تبلیغ از مقام رهبری هم بکنند. ایشان موید من عندالله است... قلب ایشان را امام زمان نگهداری کرده است. لذا باید تبلیغ و حمایت از مقام رهبری هم شود.»

وی به‌خوبی می‌داند غایت‌طلبی و سکوت در مسائل سیاسی می‌تواند دایره مخاطبان و مریدان او را افزایش دهد اما اعلام حمایت و دعوت به تبلیغ از ایشان را یکی از وظایف شرعی خود می‌داند.

۹) میراث ماندگار آیت‌الله‌ناصری

سخنرانی‌های ماندگار، شاگردان بسیار، کتاب‌های نفیس باقی‌مانده از ایشان همه باقیات‌الصالحات و میراث خواهد گذاشت. اما مهم‌ترین میراث سال‌های سال اثر خود را بر جامعه خواهد گذاشت. اما مهم‌ترین میراث ماندگار آیت‌الله ناصری تربیت فرزندان صالح و برجسته‌ای است که راه ایشان را به‌خوبی و با قوت در پیش گرفته‌اند. حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای حاج‌شیخ‌جعفرآقا ناصری، از اساتید میرز عرفان در حوزه علمیه قم و از شاگردان ممتاز مرحوم آیت‌الله سیدعبدالکریم کشمیری و مروج مکتب عرفانی نجف به‌شمار می‌آیند.

میراث ماندگار مرحوم آیت‌الله ناصری تربیت چنین فرزندی است که باید در یادداشت تحلیلی دیگری به بررسی ابعاد شخصیتی و منهج سلوکی ایشان به‌صورت مستقل پرداخت؛ هرچند امروز آیت‌الله ناصری بین ما نیستند، اما خلف صالح ایشان در مسیر تربیت نفوس مستعده گام برمی‌دارد و از برجستگان و اعاضل این امر به‌شمار می‌آید. افراد آشنا با حلقه درس اخلاق استاد حاج‌شیخ‌جعفرآقا ناصری می‌دانند جنس مطالبی که از ایشان صادر می‌شود و شیوه تربیتی اصیلی که در پیش گرفته‌اند چقدر روح‌افزا و انسان‌ساز است.

توجه به میراث سلف، انسان‌شناسی عرفانی اصیل، معرفی ابعاد ناشناخته از شخصیت و روح انسانی، شناسایی عوامل مخفی در تربیت عرفانی و برجسته‌سازی معارف مهجور روایی و عرفانی از ویژگی‌های حلقه عرفانی استاد ناصری به‌شمار می‌آید. خدای متعال ایشان را باقیات‌الصالحات مرحوم آیت‌الله ناصری قرار داده و ما را از وجود و نفس نفیس ایشان بهره‌مند سازد.